

## بانوی نمونه

کسیکه میخواهد در اطراف زندگی یکی از شخصیت‌های بزرگ و برجسته چیزی بگوید یا بنویسد برای اینکه بتواند بطور کامل زندگی آن شخصیت را تجزیه و تحلیل کند لازم است تمام جنبه‌های مختلف زندگی شخص مورد نظر را بررسی و تحقیق کند تا اگر از هر جهت کامل است همه جنبه‌های کمال وی معلوم گردد و اگر احیاناً نقاط ضعفی در وی وجود دارد آنهم روشن شود.

شخصیتی که زندگی او مورد بحث و گفتگوی این مقاله است بانومی است که نام وی همراه نام پدر در جندش شهرت جهانی دارد و او فاطمه زهرا دختر یسیر بزرگ اسلام است این بانوی عزیز با اینکه پس (۱) از ازدواج و انتخاب همسر در حدود هشت سال بیشتر در دنیا زندگی نکرد ولی همین زندگی کوتاه وی قابلیت آنرا دارد که از جنبه‌های مختلف یعنی از لحاظ سیاسی و اخلاقی و علمی و خانوادگی و غیره مورد بررسی و تحقیق واقع گردد تا شخصیت کم نظیر بلکه بی نظیر وی از خلال بررسی‌های تاریخی جلوه گر شود.

### فاطمه و انتخاب همسر

دختر پیغمبر در انتخاب همسر توجهی بمال و ثروت نداشت و آنچه در نظر او مهم بود شخصیت انسانی و سرمایه اخلاقی شوهر بود، خیلی کجیاب است دختری جوان که از جهت شخصیت بزرگ پدرش مورد توجه صاحبان ثروت و مکنت است شوهری را انتخاب کند که از لحاظ تمکن مالی تهی دست و بی بضاعت است، آری در نظر فاطمه عزیز روح بزرگ و عظمت اخلاق و ملکات فاضله علی (ع) اهمیت داشت نه مال و ثروت او، او میدانست که اگر شوهر از لحاظ اقتصادی تهی دست باشد ولی از جهت مردانگی و آقایی و صفات برجسته انسانی

(۱) فصل اول زندگی فاطمه زهرا سلام الله علیها یعنی دوران قبل از ازدواجی که در خانه پدر بوده است در تاریخ اسلام خیلی مورد توجه واقع نشده است گویی شخصیت عظیم پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در آن دوران دختر عزیزش را تحت الشعاع قرار داده است،

غنی و توانگر باشد این غنا و توانگری معنوی و روحی جای فقر مالی را پر میکند و شیرین-ترین زندگی برای آن زن و شوهر میسر میگردد اما بعکس اگر امتیاز شوهر فقط از جهت مال باشد ولی از لحاظ روحیات و اخلاق ناپاک و آلوده باشد محیط آن زندگی بکانون عذاب و غم و اندوه مبدل میگردد .

باید گفت زهرای عالیقدر در باب انتخاب همسر يك بانوی نمونه است و دخترانی که سعادت آینده خویش علاقمندهستند باید در اختیار کردن شوهر از او پیروی کنند

### فاطمه و زندگی خانوادگی

چیزیکه در زندگی خانوادگی فاطمه بیشتر جلب نظر میکند فداکاری و گذشت و مجاهدت و کوشش وی برای جلب رضایت امیر مؤمنان است کارهای داخلی منزل را از قبیل پختن نان و تهیه غذا و شستن لباس و جارو کردن و سایر امور خانه را با کمال میل و اشتیاق خودش انجام میداد ، و هیچگاه از پسر عم عزیزش تقاضائی نمیکرد که مبادا او نتواند انجام دهد و ناراحت شود ، او بخوبی میدانست همسر جوان مردش که باید برای اداره زندگی شخصاً کار کند خصوصاً در اوائل امر که بغیر از مزد کار و دسترنج زحمت خود هیچگونه درآمدی نداشت ؛ او میدانست شوهری که برای اداره زندگی زحمت میکشد و رنج میبرد و علاوه بر این در جنگهایی که برای مسلمین رخ میدهد بیش از دیگران جانپنازی و فداکاری میکند ؛ چنین همسری بیش از هر چیز با آرزوی فکر و آسودگی خیال احتیاج دارد ، از این روی دختر پیغمبر میکوشید که از هر جهت جلب رضایت پسر عیش را بنماید و در راه جلب خوشنودی امیر مؤمنان (ع) از هیچگونه مجاهدت و فداکاری چه در امر نگهداری و سرپرستی فرزندان و چه در اداره کارهای منزل و سایر امور مربوط بزنگی زناشویی و خانوادگی دریغ نمیکرد .

فاطمه عزیز بقدری علی (ع) را معجذب خود کرده بود که فرزند ابی طالب با آن دل توی و قلب محکم و نیرومند در مرگ فاطمه بی تاب و بی قرار شد و بی اختیار میگريست و میگفت: (قل یا رسول الله من صفتك صبري ورق عنها تجلدي) غم جدایی زهر ادا با رسول خدا (ص) دو میان بیگذارد و میگوید : ای رسول گرامی در مرگ دختر عزیز تو دل از دستم رفت و صبر و شکیبایم تمام شد و دیگر قرار و آرام ندارم .

امیر المؤمنین (ع) با آن روح ملکوتی و قدرت عقلانی و جان و روان آسمانی بقدری در فریق دختر پیغمبر (ص) بی صبری میکند که با چشم اشکبار میگوید : (اما حونی قسمة

وامالیلی فیسهد) غم و اندوه من در فراق زهرا جاویدان است و دیگر نمیتوانم شهبابخواهم  
و آرام بگیرم (بلکه بیاد آن گوهر آسمانی تا صبح بیدار هستم) از اینجا میتوان دریافت  
که در زندگی خانوادگی شخصیت اخلاقی فاطمه در چه پایه ای بوده است که روح بزرگ  
و بلند پرواز علی (ع) را تا این حد مجذوب و فریفته کرده است \* تو صد حدیث مفصل بخوان  
از این مجمل \*

بانوان مسلمان اگر بخواهند بیشتر از زندگی زناشویی کامیاب شوند سزاوار است در جلب  
رضایت شوهر از راه فداکاری و حسن اخلاق از دختر عزیز پیغمبر (ص) تبعیت نمایند تا زندگی  
خانوادگی آنان بکانون محبت و مسرت مبدل گردد.

### فاطمه و زندگی علمی و فرهنگی

تردید نیست که معلومات این بانوی نابغه از منبع وحی سرچشمه میگیرد یعنی معلم  
مستقیم وی شخص پیغمبر اسلام (ص) است، استعداد و قابلیت مثل استعداد و قابلیت فاطمه  
زهرا (ع) در تحت سرپرستی و تعلیم شخصیت عظیمی، مانند رسول خدا (ص) واقع گردد  
معلوم است که از نظر وسعت معلومات و احاطه و اطلاع بر مسائل مختلف عقلی و تاریخی و  
شرعی و غیره تا چه پایه ترقی میکند و اوج میگیرد.

برای نمونه کافی است خطبه ای که در میان اجتماع عظیم مسلمین از مهاجر و انصار ایراد کرد  
مورد دقت قرار داده شود، معمولاً گویند گان نامی یا رجال سیاسی یا نوابغ علمی و فرهنگی که  
میخواهند در میان انجمنی سخنرانی کنند چون میدانند گفتار آنان و در توجه افراده تفکر واقع  
میشود و احیاناً ضابطه میگردد و دیگران درباره آن داوری میکنند طبیعتاً آن شخص سخنران از مدتی  
پیش از وقت مقرر و موعد سخنرانی در اطراف گفتار آینده خود فکر میکند، و برای تنظیم  
مطالب و موضوعاتی که باید بگوید مدتی صرف وقت مینماید و گاهی آن مطالب را مینویسد  
و بعداً قسمتی از آن را قلم میکشد و اصلاح میکند و گاهی از فکر دیگران و کمک میگیرد تا  
آنکه آن سخنرانی را بنظر خود از هر جهت تکمیل مینماید، و تازه پس از ایراد آن خطابه  
بسیاری از اوقات مورد ایراد و اشکال اهل فن واقع میشود و کم اتفاق میافتد که آن گفتار از  
هر جهت کامل باشد و هیچگونه ایرادی از طرف متفکرین و صاحبان نظر آن وارد نگردد.

ولی فاطمه زهرا علیها سلام بر اثر یک نااحتی ورنج روحی و بمله یک هیجان شدید فکری  
که از حوادث بعد از وفات پدرش برای او رخ داده بود در میان جمعی از بانوانی که از بستگان  
و یهودند برای ایراد سخنرانی بسوی اجتماع مهاجر و انصار رفت و از پشت پرده آغازه

خطابه کرد باینکه در حال خطابه سخت ناراحت بود و باینکه این خطابه بدون آمادگی قبلی و بالبداهه ایراد شد، و باینکه بعنوان انتقاد از وضع موجود این سخنرانی را ایراد کرد مع الوصف مطالبی را از توحید و معارف دینی و قوانین مذهبی و فلسفه و حکمت بعضی از دستورات شرعی بیان کرد که از نظر عمق مطالب و استحکام و متانت معانی و تناسب گفتار با هدف خطابه و از نظر حسن اسلوب و بلاغت کلام و از لحاظ فصاحت لفظ و روانی آن و خلاصه از لحاظ جمیع محسناتی که در لفظ و معنی باید رعایت گردد باندازه ای بلند و پرمایه است که نظیر آن را در غیر خطبه های رسول خدا (ص) و امیر المؤمنین (ع) نمیتوان یافت، تو گوئی در بایمی است که بموج آمده و در حال تلاطم شدید امواج خروشان خود را بطور پی گیر بسوی ساحل میفرستد.

ندیده ایم که هیچ دانشمند و رزیده ای و هیچ ادیب سخنوری کمتر پسن ایرادی باین خطابه طولانی تاریخی وارد کرده باشد، بانوان فرهنگ دوست شایسته است که تنها بطواهر بر نامه های خشک و بی روح فرهنگی قناعت نکنند بلکه ارزش علم را چنانچه هست بدانند و بیشتر در پی عمق مطالب علمی باشند و به پیروی از این بانوی عظیم الشأن بمعلوماتی که در تقویت روح ایمانی و ترقی دادن صفات برجسته انسانی بیشتر دخالت دارد اهدامت بیشتری بدهند

### فاطمه و زندگی سیاسی

آنچه مسلم است باینکه دختر عزیز پیغمبر از نظر مقام و ارزش اجتماعی و از لحاظ نبوغ و شخصیت در میان بانوان اسلام عالی ترین درجه را دارا بود و از جهت لیاقت و درایت از بسیاری از رجال اسلام هم برجسته تر بود، اینست که چون کمال آشناسی تعالیم اسلام داشت، هیچگاه داوطلب پست و مقام سیاسی نبود و هیچوقت برای تصدی و احراز یکی از مناصب حکومت فعالیت نکرد باینکه پس از ازدواج فاطمه یعنی بعد از جنگ بدر تشکیلات منظم حکومت اسلامی آغاز شد و دختر پیغمبر زندگی اجتماعی خود را در مهده سیاست اسلام و در محیط تشکیلات دولت آغاز کرد و در حدود هشت سال در همان محیط زندگانی خویش را بی پایان برد و در آن روزگار معهود حکومت اسلام و مرکز ثقل سیاست شخص پیغمبر بود و بدیهی است که در چنین محیطی برای فاطمه زهرا سلام الله علیها اشغال یکی یا چند پست حساس از پستهای حکومت کاری است بسیار ساده و آسان ولی با همه اینها این بانوی عالی قدر بانوی خانه است و قسمت اعظم وقت عزیز خود را در راه تمشیت امور خانه داری و تربیت فرزند صرف میکند فرزندان ما منتهی حسن و حسین و زینب کبری و صغری (ع) را در دامن پاک خود پرورش میدهد و ابداً در فکر این نیست که بانوان را به نهضت دعوت کند و رهبری آن نهضت را بعهده

بگیرد و بنام احقاق حقوق بانوان هر روزی کنفرانسی بدهد ؛ و خطابه ای ایراد کند و صحنه جدیدی بوجود آورد و هر زمانی نغمه تازه ای ساز کند ! .

در اینجا جای پرسش است که آیا این بانوانی که بنام نهضت زنان انجمن هائی را بوجود آورده اند و هر سال صحنه هائی را که همه میدانیم تجدید میکنند عقل و تشخیص اینها از عقل و تشخیص دختر پیغمبر (ص) بیشتر است ؟ آیا اینها که خود را مسلمان و پیرو پیغمبر و دختر او میدانند در علم و درایت و لیاقت خود را از فاطمه عزیز که در مهد نبوت و بیت رسالت رشد کرده است بهتر و بالاتر حساب میکنند ؟ که برخلاف سیره فاطمه بزرگوار هر روزی نغمه تازه ای ساز میکنند يك روز بنام هفده دی سروصدائی راه میاندازند و کنفرانس میدهند و مطالب تکرار شده را باز تکرار میکنند و يك وقت برای دخالت در امور سیاسی بدست آوردن مقامات دولتی و نمایندگی مجلس و برای بدست آوردن حق طلاق و غیره جنبش میکنند .

(البته ما کاری نداریم که اینها را در پس آینه طوطی صفتشان داشته اند و آنچه استاد ازل گفت بگو میگویند) بلکه بظاهر مطالب نگاه میکنیم ما فاطمه زهرا (ع) را يك بانوی نمونه میدانیم که در میان بانوان اسلام از هر جهت اولیت دارد ، این بانوان روشنفکر که مسلماً بدختر پیغمبر (ص) با چشم تجلیل و احترام مینگرند اگر بخواهند شاهد سعادت و کامیابی را در آغوش بگیرند و اگر حالت استماع و استعداد تفکر و تجدید نظر در رویه خود را داشته باشند شایسته است ، بیش از این به مق مطالب نگاه کنند ؛ و ببینند چه میکنند ، و چه میخواهند و نتیجه آنچه میکنند و برای نسل حاضر و نسلهای آینده چیست ؟ اگر تشخیص دادند که نتیجه این کارها جز پرده دردی و سوق دادن اجتماع بسوی فساد و تباهی چیزی نیست ، پیش از آنکه فرصت بگذرد و ترمراز دست همه بیرون برود در رفتار خود تجدید نظر کنند ؛ و در همه مسائل اعم از فردی و خانوادگی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی آنطور که دختر پیغمبر (ص) یعنی این بانوی نمونه و این سرچشمه فضیلت فکر میکرد فکر کنند و قبل از هر چیز احتجاب و حیا و عفت و اخلاق انسانی و شرف آدمیت را نصب الهین خود قرار دهند تا هم خود از خوشبختی و سعادت بیشتری کامیاب گردند و هم بپاکی و ایمان و سعادت اجتماع کمک نمایند .